



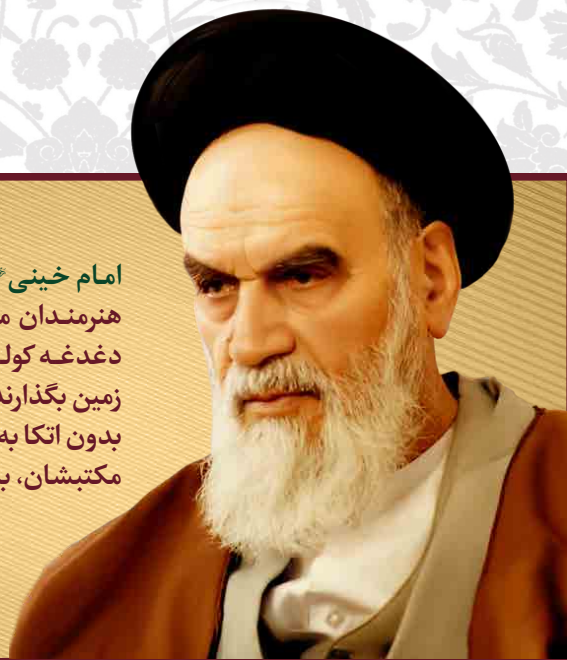
هفت روزگان انقلاب اسلامی

گزارش بزرگداشت هفته هنر انقلاب اسلامی در کرمان



امام خینی رحمته الله:

هنرمندان ما تنها زمانی می توانند بی
دغدغه کوله بار مسئولیت و امانتشان را
زمین بگذارند که مطمئن باشند مردمشان
بدون اتکا به غیر، تنها و تنها در چهارچوب
مکتبشان، به حیات جاویدان رسیده اند.





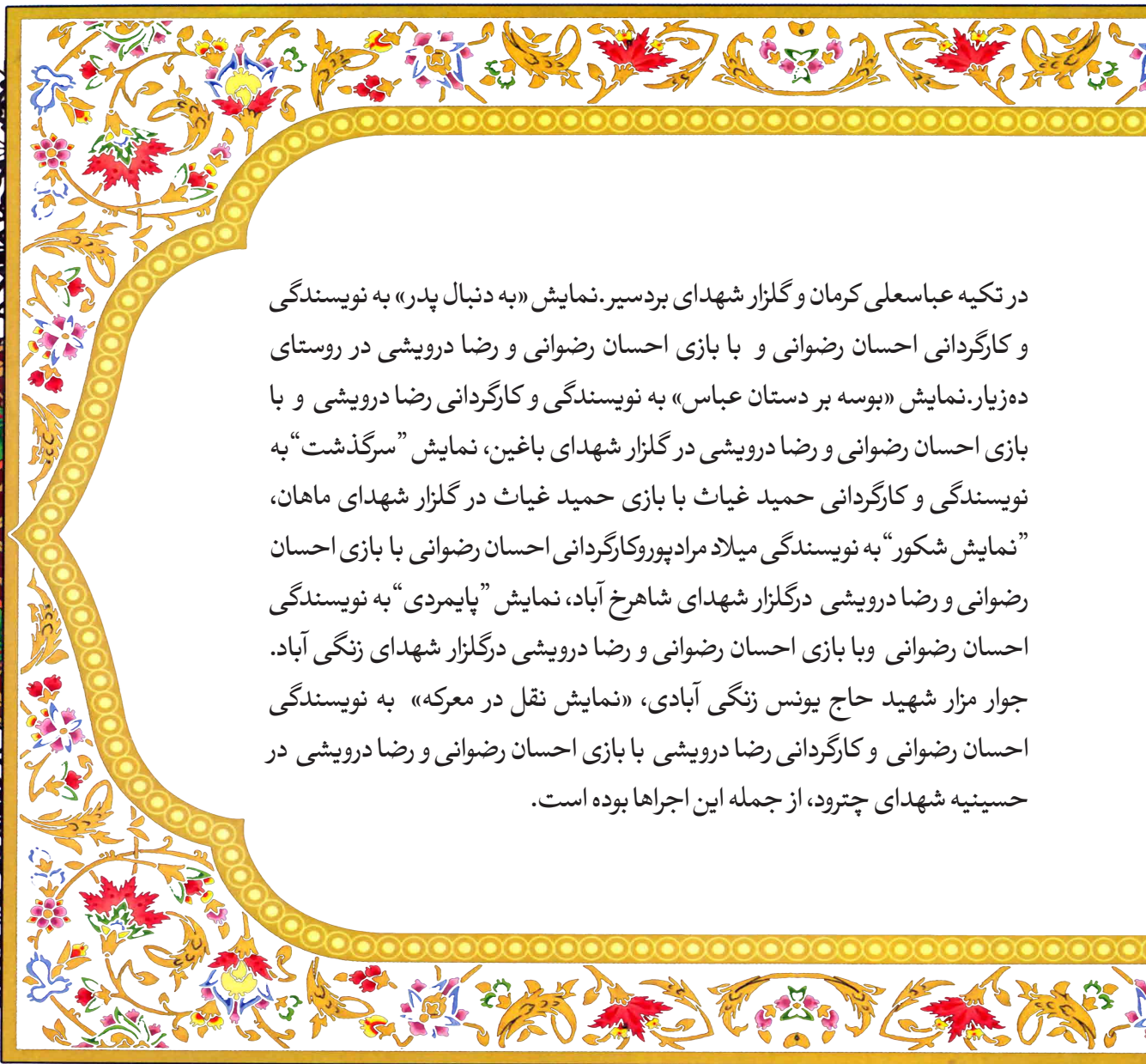
امام خامنه ای (مدظله العالی):

توقع انقلاب از هنر و هنرمند، مبتنی بر نگاه
زیباشناختی در زمینه‌ی هنر است، که توقع
زیادی هم نیست.

۱۳۸۰/۰۵/۰۱

• بزرگداشت هفته هنر انقلاب در کرمان

در آخرین روز از هفته «هنر انقلاب» به همت کارگروه تئاتر خیابانی انجمن نمایش استان کرمان نمایشهای متعددی در گلزارهای شهدای استان کرمان برنامه‌ریزی شد که با استقبال چشمگیر تماشاگران همراه بود. نمایش «سربازان حاج قاسم» به نویسندگی و کارگردانی رضا درویشی و با بازی احسان رضوانی، رضا درویشی، حمیده صادقی و هادی درویشی درشاهزاده حسین جوپار. نمایش «حلالیت» به نویسندگی و کارگردانی احسان رضوانی و با بازی احسان رضوانی در گلزاربین المللی شهدای کرمان. نمایش «رسم عاشقی» به نویسندگی و کارگردانی سجاد خان بابا و با بازی سجاد خان بابا سحر سالاری و مهرآه خان بابا



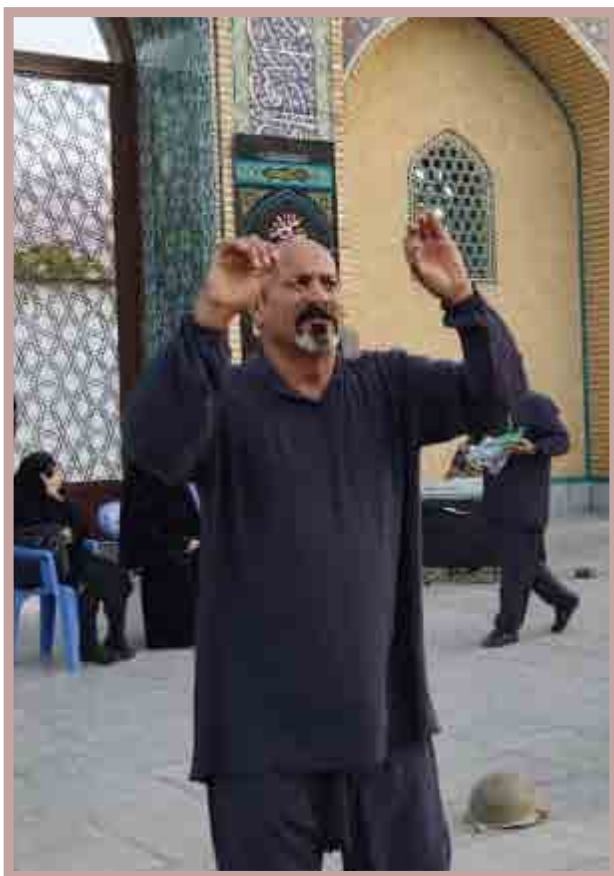
در تکیه عباسعلی کرمان و گلزار شهدای بردسیر. نمایش «به دنبال پدر» به نویسندگی و کارگردانی احسان رضوانی و بازی احسان رضوانی و رضا درویشی در روستای ده زیار. نمایش «بوسه بر دستان عباس» به نویسندگی و کارگردانی رضا درویشی و بازی احسان رضوانی و رضا درویشی در گلزار شهدای باغین، نمایش «سرگذشت» به نویسندگی و کارگردانی حمید غیاث با بازی حمید غیاث در گلزار شهدای ماهان، نمایش «شکور» به نویسندگی میلاد مرادپور و کارگردانی احسان رضوانی با بازی احسان رضوانی و رضا درویشی در گلزار شهدای شاهرخ آباد، نمایش «پایمردی» به نویسندگی احسان رضوانی و با بازی احسان رضوانی و رضا درویشی در گلزار شهدای زنگی آباد. جوار مزار شهید حاج یونس زنگی آبادی، «نمایش نقل در معرکه» به نویسندگی احسان رضوانی و کارگردانی رضا درویشی با بازی احسان رضوانی و رضا درویشی در حسینیه شهدای چترود، از جمله این اجراها بوده است.

فهرست

۴	بزرگداشت هفته هنر انقلاب در کرمان
۸	نمایش «سربازان حاج قاسم»
۹	نمایش «حلالیت»
۱۰	نمایش «رسم عاشقی»
۱۱	نمایش «به دنبال پدر»
۱۲	نمایش «بوسه بر دستان عباس»
۱۳	نمایش «سرگذشت»
۱۴	نمایش «شکور»
۱۵	نمایش «پایمردی»
۱۶	نمایش «نقل در معرکه»

• نمایش «سربازان حاج قاسم»

به نویسندگی و کارگردانی رضا درویشی و با بازی احسان رضوانی، رضا درویشی، حمیده صادقی و هادی درویشی در شاهزاده حسین جوپار.



خلاصه نمایش: دو رزمنده بعد از برگشت از اسارت به دیدار مادر هم‌رمز شهیدشان که در شب عملیاتی که آنها اسیر شده‌اند در منطقه او شهید می‌شود. مادر شهید از آنها می‌خواهد که در پیدا کردن جنازه فرزندش به او کمک کنند تا پیدا شود. آنها به او قول می‌دهند و راهی منطقه عملیاتی می‌شوند که در آن شب آنجا بودند در پی گشت اشیاعی رومی‌بند که آنها را به یاد هم‌زمانشان می‌اندازد و.... در انتها شهید را پیدا می‌کنند.



● نمایش «حلالیت»

به نویسندگی و کارگردانی احسان رضوانی و با بازی احسان رضوانی در گلزارین المللی شهدای کرمان.



خلاصه نمایش: فرزند یکی از افسران بعث بعد از قضایای اتفاقاتی که برای صدام می افتد ایشان وارد مدافعان حرم می شوند و شهید مدافع حرم می شوند. توی این زمان با حاج قاسم که صحبت می کرده حلالیت می خواسته و حاج قاسم بهشون قول می دهد که مردم ایران حلالیت می کنند. اما خود این افسر بعث که مسئول شکنجه ایرانی ها هم بوده شهید می شود. پسرش می رود پیش حاج قاسم توی سوریه و می گوید که قرار بوده برای پدرم حلالیت بطلبی و حاج قاسم بهش قول می دهد که این کار را می کنم و متأسفانه بعد حاج قاسم هم شهید می شود الان پسر می آید توی ایران که برای پدرش حلالیت بطلبد.



● نمایش «رسم عاشقی»

به نویسندگی و کارگردانی سجاد خان بابا و با بازی سجاد خان بابا سحر سالاری و مهرآه خان بابا در تکیه عباسعلی کرمان و گلزار شهدای بردسیر.

خلاصه نمایش: مادر شهید صبح شهادت حاج قاسم. در محل مزار حاج قاسم با نوه اش می آید چون با حاج قاسم قرار داشته از قبل.. و به علت سردی هوا و یخ زدگی زمین دقیقاً در محل مزار حاج قاسم مینشیند... مردی سپاهی که مسئول این است که اطراف مزار حاج قاسم را خلوت کند وارد میشود... و درگیری بر سر این موضوع شروع میشود که مرد نمیتواند مادر شهید را از گلزار بیرون کند...



* گلزار شهدای بردسیر



* تکیه عباسعلی کرمان

● نمایش «به دنبال پدر»

به نویسندگی و کارگردانی احسان رضوانی و با بازی احسان رضوانی و رضا درویشی در روستای ده زیار.



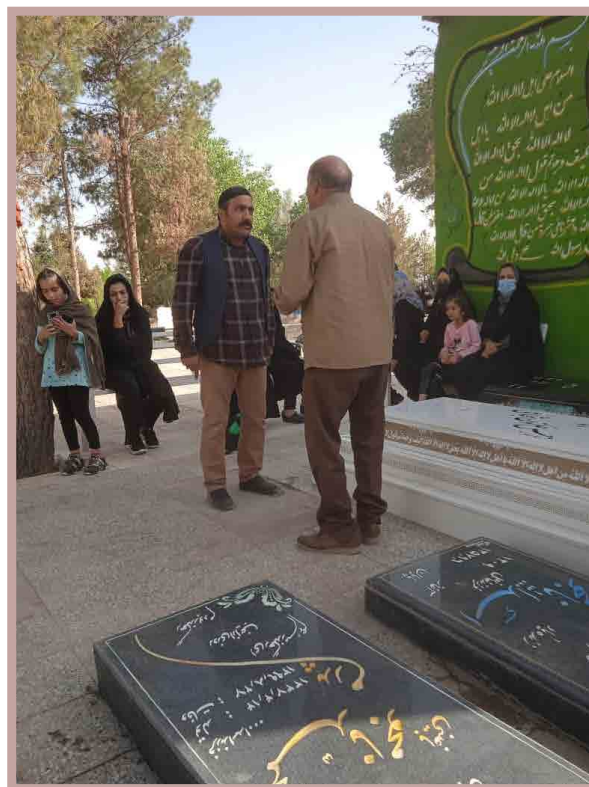
خلاصه نمایش: داستان فرزند یکی از مفقودالانهای جنگ هست که ایشان هر شهید گمنامی را که می آورند با این تصور که این شهید پدرش هست می رود و با آن شهید گمنام شروع به صحبت می کند و راجع به اینکه عقده های بچگی اش، اینکه همیشه دوست داشته یکی دست روی سرش بکشد به عنوان پدر، اینکه نمی دانم از مدرسه می آید پدرش برود دنبالش. تمام این عقده های کودکی را شروع می کند به آن شهید گمنام در میان گذاشتن و باهاش صحبت کردن.



• نمایش «بوسه بر دستان عباس»

به نویسندگی و کارگردانی رضا درویشی و بازی احسان رضوانی و رضا درویشی در گلزار شهدای باغین.

خلاصه نمایش: حکایت تعدادی از رزمندگان دفاع مقدس است که بعد از سالها با هم قرار می‌گذارند که همدیگر را ببینند و دور هم جمع می‌شوند. یاد هم‌رزم‌شان می‌افتند که شهید شده و بعد تصمیم می‌گیرند که به خانه آن هم‌رزم بروند و وقتی که می‌روند آن‌جا با استقبال گرم مادر آن شهید روبرو می‌شوند. مادر ازشان می‌پرسد روزی که چهار نفری با هم رفتید جبهه ولی الان سه نفره‌ستید و عباسم کجاست و شروع می‌کنند بایکدیگر سر قضاایای عملیات و شهید شدن عباس صحبت کردن و...



• نمایش «سرگذشت»

به نویسندگی و کارگردانی حمید غیاث با بازی حمید غیاث در گلزار شهدای ماهان،

خلاصه نمایش: سرگذشت روایت مردی از رزمندگان و به جامانندگان دوران دفاع مقدس و از یاوران حاج قاسم که همیشه هنگام نماز خواندن حضور قلب پیدا نمیکند و به خدا شکایت میکنند اما با مرور به گذشته خود و اعمال و رفتارشان و کارهایی که بعد از جنگ انجام داده پی به اشتباهاتش می برد.



• نمایش «شکور»

به نویسندگی میلاد مرادپور و کارگردانی احسان رضوانی با بازی احسان رضوانی و رضا درویشی
در گلزار شهدای شاهرخ آباد.

خلاصه نمایش: داستان مردی هست که همسرش جانباز هست و اعتقادات ایشان مبنی بر این هست که برای خدا رفتن و وارد جنگ شدن و همسرش که پرستار بوده توی جنگ شیمیایی هست و الان برای هزینه‌های درمان همسرش وسایلی که برای خودش جذاب هستند و ارزشمند هستند تصورش این هست که برای بقیه مردم هم اینها ارزشمند هستند وسایل جنگی شخصی خودش مثل نمی‌دانم قمقمه‌اش، مثل چفیه، مثل سربند یک همچین چیزهایی را می‌آورد بفروشد که هزینه درمان همسرش را بتواند در بیاورد که بعد با یک



نفر مواجه می‌شود و آن آدم می‌گوید که نه این جوری نیست اینها هیچ ارزشی ندارد و در نهایت کار به این نتیجه می‌رسد.

آن آدمی که مخالفت می‌کند که دقیقاً اینها ارزش دارد و ما داریم از ارزشها مون دور می‌شویم

• نمایش «پایمردی»

به نویسندگی احسان رضوانی و با بازی احسان رضوانی و رضا درویشی درگلزار شهدای زنگی آباد.

خلاصه نمایش: که به نویسندگی و کارگردانی احسان رضوانی هست برمی‌گردد به اینکه یکی از بچه‌های اهواز پس از سیل اهواز روی یک تکه‌ایی از خانه‌شان که از خانه باقی مانده نشسته و یک مردی می‌آید پیشش و باهاش صحبت می‌کند و دلداریش می‌دهد و این هم اصلاً حوصله نداشته و تحویلش هم نمی‌گیرد و می‌رود. بعد بقیه می‌آیند می‌گویند فهمیدی این کی بود؟ می‌گه نه! می‌گه این حاج قاسم بود، می‌گه نه بابا حاج قاسم که این جوری نمی‌آید او اگر می‌آمد ۱۰۰ نفر آدم همراهش بود، بادیگارد داشت و از این حرفها. بعد می‌گویند نه حاج قاسم بود و بعد خودش که می‌رود و خب متوجه می‌شود که حاج قاسم هست تازه پی می‌برد که حاج قاسم با بقیه آدم‌ها فرق می‌کند و هیچ تشریفاتی برای حاج قاسم وجود ندارد و حاج قاسم خاکی‌تر از آن چیزی که فکر می‌کرده، هست.



• نمایش «نقل در معرکه»

به نویسندگی احسان رضوانی و کارگردانی رضا درویشی با بازی احسان رضوانی و رضا درویشی در حسینیه شهدای چترود، از جمله این اجراها بوده است.

خلاصه نمایش: داستان یک معرکه گیر هست که مردم را جمع می کند برای اینکه بخواهد معرکه بگیرد زنجیر پاره کند و مار در بیاورد و این حرف ها، که همان لحظه یک آدم دیگه ای وارد معرکه اش می شود و ازش می خواهد که معرکه اش اگر تمام شد مردم را به او بسپارد که او هم می خواهد یک نقلی بگوید بعد با هم درگیری دارند و این ها. بعد وسیله های این آدم را که می ریزد، وسیله های جنگ هست می گوید که من هر کدام از وسیله هایم حدود یک ساعت راجع بهشون حرف می زنم. تو چی؟ اومدی مثلاً با یک تکه آهن و با یک چغیه سوخته چه می خواهی صحبت کنی؟ می گوید که من وسیله هایی که دارم هر کدام شان 8 سال نقل دارند و این وسایل جنگ بود و هر کدامش برمی گردد به یکی از شهدای کرمان که توسط آن وسیله ها مثلاً نمی دانم اکبر آقای محمد حسینی را می گوید که با ترکش به شهادت رسید یا علی عرب بعد از شهادتش تنها چیزی که ازش باقی مانده چغیه سوخته اش بود و سربند سوخته اش بود و می پردازد به شهدای کرمان.

